

اشکال دیگری بر مرحوم آخوند:

برخی از بزرگان نوشته اند:

«ان قصد ذلك - أعني تحديد باب التزاحم - فهو ينافي ما فرضه من كون بعض صور المقام من موارد التعارض وهي صورة كون الدليلين لبيان الحكم الفعلي. وان لم يقصد ذلك ، بل كان نظره إلى تحديد مسألة الاجتماع ، فيكون اعتباره وجود الملاك في كون المورد من موارد باب الاجتماع ، كاعتبار المندوحة في محل النزاع من قبل بعض ، وهو غير وجيه لأن وجود الملاك وعدمه أجنبي أيضا عن الحكم بالجواز أو الامتناع لأجل التضاد.»

كما ان الأثر العملي لا يتوقف ترتيبه على ذلك ، إذ على القول بالجواز لا يلزم لأجل الحكم بثبوت الحكمين فعلا إحرار الملاك ، بل إطلاق الدليلين يكفي في ذلك . ومنه يستكشف ثبوت الملاك - كما صرح به هو قدس سره - وعلى القول بالامتناع لا ملزم لترتيب ما ذكره من الأثر المتوقف على إحرار الملاك.<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. اگر مراد مرحوم آخوند از طرح این مقدمات، آن است که باب تزاحم را تعریف و معلوم کند، این سخن ایشان کامل نیست چرا که:
۲. ایشان در صورتی که ما احراز کنیم هر دو حکم دارای ملاک مطلق هستند ولی حکم ها فعلی باشند، مسئله از صغریات باب تعارض دانسته اند.
۳. [در حالیکه وقتی ملاک ها مطلق باشند، نمی شود مسئله را از صغریات باب تعارض دانست]
۴. و اگر مراد ایشان از این مقدمات آن است که باب اجتماع امر و نهی را [و نه باب تزاحم را] ضابطه مند کنند و لذا می گویند باب اجتماع امر و نهی در صورتی حاصل است که مورد اجتماع، هر دو ملاک را داشته باشد (و لذا برخی اضافه کرده اند که برای اینکه بحث از مصادیق بحث اجتماع امر و نهی باشد، باید مندوحة هم وجود داشته باشد [و الا اگر مندوحة نباشد، بحث از صغریات اجتماع امر و نهی نیست، چرا که تکلیف در این صورت، تکلیف به محال است])

۱. منتقى الاصول، ج ۳، ص ۳۰



۵. این هم کامل نیست چرا که فرق بین بحث تراحم و تعارض ربطی به «آنچه مدار بحث اجتماع امر و نهی است» ندارد. [چرا که گفته ایم، مدار بحث اجتماع امر و نهی یک حیثیت است و آن اینکه آیا تعدد عنوان رافع اجتماع ضدین هست یا نه؟ و بحث تنها از این حیث در این باب مطرح است]

۶. و همچنین اثر عملی هم بر این تقسیم بندی بار نمی شود چرا که:

۷. اگر قائل به جواز اجتماع امر و نهی باشیم، و بخواهیم حکم به جواز اجتماع کنیم، لازم نیست احراز کنیم که هر دو حکم ملاک های مطلق دارند، بلکه همین که دو دلیل اطلاق دارند، می توان چنین کرد و از همین اطلاق کشف ملاک کرد

۸. و اگر قائل به امتناع شویم، حکم به عدم اجتماع می کنیم و برای این کار منتظر نمی مانیم تا ملاک ها را احراز کنیم.

ما می گوئیم:

ما حصل کلام ایشان آن است که:

۱. (چنانکه امام خمینی هم مطرح کرده اند) اگر بحث اجتماع امر و نهی، حیثی است (فقط از این حیث که آیا تعدد عنوان رافع محذور اجتماع امر و نهی هست یا نه؟)، بحث از احراز ملاک بی خود است

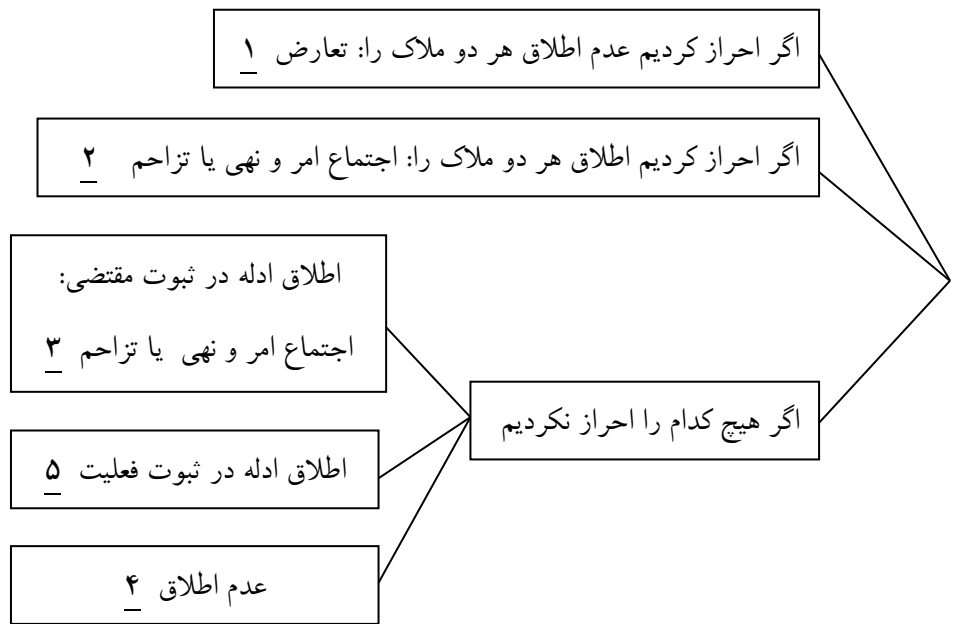
۲. اگر فرض، تعیین ضابطه ای برای فرق بین تراحم و تعارض است، این سخن کامل نیست

۳. این تقسیم اثر عملی هم ندارد

۴. اما درباره این مطلب می توان گفت:

اولاً: غرض مرحوم آخوند تعیین ضابطه است و ضابطه ایشان چنین است





۱. در هر صورت بحث از صغریات تعارض است
۲. اگر مندوحه باشد بحث از اجتماع امر و نهی است و الا بحث تراحم است (و اگر مندوحه باشد، اجتماعی‌ها هر دو حکم را بالفعل می‌دانند و امتناعی‌ها تنها آن دلیل که ملاک اقوی دارد را بالفعل می‌دانند)

۳. همانند شماره ۲

۴. مرحوم آخوند متعرض این قسم نشده اند ولی ظاهراً این قسم اصلاً از صغریات هیچکدام نیست

۵. این قسم همان است که مستشکل بر مرحوم آخوند اشکال کرده است که «در حالیکه ملاک احراز شده است آخوند آن را از صغریات تعارض می‌داند در حالیکه در این قسم احراز نشده است اما باید بدانیم که مرحوم آخوند در این قسم بنابر نظر امتناعی‌ها بحث را از صغریات تعارض برمی‌شمارد و بنابر نظر اجتماعی‌ها هر دو حکم را بالفعل باقی می‌دارد؛

اما بنابر نظر امتناعی‌ها هم استدلال مرحوم آخوند آن است که وقتی بنابر امتناع نمی‌پذیریم که هر دو حکم بالفعل باشند لاجرم، یکی از آن‌ها از فعلیت می‌افتد و چون «ممکن است مقتضی داشته و فعلیت نداشته باشد و ممکن است مقتضی نداشته و فعلیت هم نداشته باشد»، نمی‌توانیم به «وجود ملاک» را احراز کنیم و لذا به تعارض می‌رسیم.



و ثانیاً اینکه نوشته اند اثر عملی بر ضابطه مرحوم آخوند بار نمی شود هم کامل نیست چرا که:  
اگر اجتماعی احراز عدم اطلاق ملاک کرده باشد، به تعارض قائل می شود و اصلاً حکم به اجتماع نمی  
کند. (یا به تعبیری اگر احراز اطلاق ملاک نکرده باشد و یا اطلاق مقتضی و یا اطلاق فعلیت در اختیارش  
نباشد)

و همچنین امتناعی هم اگر احراز کرده باشد که ملاک ها مطلق است و یا اطلاق مقتضی را در اختیار  
داشته باشد، به سراغ مرجحات باب تراحم می رود و اگر چنین نباشد به سراغ مرجحات باب تعارض  
می رود.

پس ثمره عملی مهمی بر ضابطه مترتب است.

